مطالعات محیطی هفت حصار شماره چهل‌وپنجم/ سال یازدهم/ پاییز ۱۴۰۲
صفحات ۸۸-۷۱

شناسایی رابطه محرمیت با تغییرات سازمان فضایی خانه‌های بیرجند در دوره انتقال*

حسن ناصری ازغندی، محسن طبسی**، حسن رضائی*****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۶/۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۵

چکیده

از آنجا که خانواده نظامی است بر پایه روابط درونی و بیرونی، خانه سازمان فضایی ویژه‌ای را می‌طلبد که در آن تفکیک فضاهای عمومی و خصوصی و نوع رابطه آنها با یکدیگر اهمیت می‌یابد. از این‌رو "اصل محرمیت" به زیبایی در چگونگی سازماندهی فضایی و نحوه قرارگیری عملکردها، نمایان شده است. تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در دوره انتقال سبب تغییرات گسترده در شیوه زندگی و به تبع آن تحول و دگرگونی در سازمان فضایی بناهای مختلف؛ از جمله خانه‌ها گردید. هدف اصلی تحقیق حاضر، شناخت تأثیر تغییرات کالبدی سازمان فضایی، در دوره انتقال (اواخر قاجار و دوره پهلوی اول) بر میزان محرمیت خانه‌ها در شهر بیرجند است. بر این اساس، پژوهشگران در پی پاسخگویی به این پرسش هستند که: تغییرات کالبدی سازمان فضایی خانه‌ها چه بوده است و این تغییرات، چه اثراتی را بر میزان محرمیت خانه‌های بیرجند در دوره انتقال داشته است؟

پژوهش حاضر با رویکردی اثبات‌گرایانه، از روش‌های تاریخی و توصیفی تحلیلی در جهت رسیدن به هدف، بهره گرفته است. جمع‌آوری داده‌ها مطابق با دو شیوه اسنادی و میدانی است. جامعه آماری مشتمل بر خانه‌هایی است که متعلق به دوره مورد نظر هستند و ثبت ملی شده باشند؛ نه باب از این خانه‌ها متعلق به دوره قاجار؛ هشت باب قاجار- پهلوی و هشت باب خانه دیگر متعلق به دوره پهلوی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در طی دوران انتقال، میانگین مساحت توده هر خانه از ۳۶۰ مترمربع به ۲۲۳ مترمربع کاهش یافته است و تمایل به قرارگیری توده در سه و یا دو طرف فضا نمود بیشتری یافته است. سلسله مراتب حرکتی نیز حذف فیلترها و واسطه‌هایی همانند هشتی و دالان و ایوان را نشان می‌دهد. نتایج مؤید آن است که تغییرات در مؤلفه‌ها و عناصری همانند: نسبت توده و فضا، نظم توده و فضا، سلسله مراتب حرکتی، ورودی، هشتی، حیاط و فیلترها، طی بازه زمانی دوره انتقال، در کالبد معماری خانه‌های بیرجند، سبب شده است محرمیت که سابقه‌ای چندهزار ساله در معماری ایران داشته است؛ کمرنگ شود. همچنین مقایسه نتایج پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌ها، نشان می‌دهد که تغییرات در شهر بیرجند نسبت به شهرهایی مانند مشهد، تهران و اصفهان کمتر و آرام‌تر بوده است؛ این امر می‌تواند ناشی از تأثیرات مذهبی و دور بودن بیرجند از تحولات فرهنگی و سبک زندگی در دیگر شهرهای بزرگ آن دوره، ازجمله مرکز استان باشد.

واژگان کلیدی

محرمیت، دوره انتقال، سازمان فضایی، بیرجند، معماری خانه.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری حسن ناصری ازغندی با عنوان «تدوین مدل مفهومی خانه‌های معاصر بیرجند با تأکید بر اصل محرمیت» به راهنمایی دکتر محسن طبسی و مشاوره دکتر حسن رضائی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد است.

** دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. ha.naseriaz@iau.ac.ir
*** دانشیار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) mohsentabasi@mshdiau.ac.ir
**** استادیار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. rezaei.h@mshdiau.ac.ir

ISSN: 2322-5602
©: IAUH

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

مقدمه

خانه سنتی ایران بنابر نظر اکثر پژوهشگران توانایی پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی را متناسب با آداب و سنن زندگی و فرهنگ مردم داشته است. بر این اساس خانه سنتی مبتنی بر ارزش‌های انسانی فضای مطلوبی را برای فعالیت‌های فردی و خانوادگی به‌وجود می‌آورد به‌گونه‌ای که دیگران امکان مخدوش کردن آن را به سهولت نداشتند. در این رویکرد، عناصر کالبدی، چگونگی ارتباط فضاها با یکدیگر و با محیط پیرامون، نحوه ادراک فضا و سیرکولاسیون فضایی، در هماهنگی با سبک زندگی، تداوم‌بخش محرمیت بود. اما با تغییرات زمانی و شرایط، چگونگی دستیابی به محرمیت نیز تغییر یافت. از مهمترین مقاطع تاریخی در این ارتباط می‌توان به دوران انتقال اشاره کرد که افکار مدرن به سرعت و شتاب گسترش یافت و گسست از دنیای سنتی با تغییرات در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه تحول در ساختار کالبدی شهرها و خانه‌ها را سبب گردید. این تغییرات در هر دوره‌ای متناسب با نیازها و خواسته‌های ساکنین، تعیین‌کننده ابعاد و روابط فضایی خانه بوده است. خانه را نمی‌توان یک‌باره پدید آورد، بلکه از ابعاد زمان و تداوم برخوردار است و متأثر از تطبیق تدریجی خانواده و فرد با جهان است (پالاسما، ۱۳۸۹: ۱۱۷). در طول تاریخ، خانه‌های دوران‌های مختلف متأثر از تغییرات نیازهای مردم تغییر یافته و با شیوه‌ها و نیازهای زندگی هماهنگ شده‌اند. از این‌رو بررسی معماری خانه‌های سنتی در منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس نشان می‌دهد که خانه‌های سنتی در درجه اول بر اساس فرهنگ و اعتقاد سازماندهی می‌شوند و الگوهایی همانند حریم خصوصی، تفکیک جنسیتی و مهمان نوازی به عنوان عوامل تعیین‌کننده در تعامل انسان با محیط مطرح هستند (رک: Al-mohannadi, Furlan, 2022).

تا زمان قاجار، ساختاری سنتی چه از نظر کالبدی و چه از نظر فرهنگی، سبب شکل‌گیری معماری تماماً درون‌گرا و حیاط مرکزی و کوچه‌های تنگ و باریک و غیرمستقیم شده بود. آشنایی شاهان و درباریان قاجار با مظاهر تمدن در غرب و همچنین حضور معماران تحصیل‌کرده در فرنگ و معلمان معماری اروپایی در دارالفنون و ... منجر به تغییر در شرایط جامعه و به دنبال آن تغییر در اصول ساخت‌وساز و حضور عناصر زندگی غربی در فضاهای زیست انسانی گردید. این تغییرات ابتدا در تزئینات خانه‌های اشراف نمود یافت و پس از آن تأثیرپذیری از تزئینات به مبلمان و انتظام فضاها سرایت کرد و در الگوی خانه جای گرفت. در اواخر این دوره، عمر چندهزار ساله معماری ایران پایان یافت و معماری جدیدی متولد گردید که از آن به معماری دوره انتقال، معماری گشایش و اختلاط یاد می‌شود (رک: قبادیان،۱۳۸۳). رمضان‌جماعت و نیستانی دوره قاجاریه را دوره تفاوت در ارزش‌ها و اندیشه‌های معمارانه و همچنین تنوع در گرایش‌ها و شیوه‌های معماری شهری می‌دانند که بیش از همه در عرصه معماری مسکونی نمود می‌یابد (رمضان‌جماعت و نیستانی، ۱۳۸۹: ۶۵). خانه‌های دوره قاجار دارای فضاها و عناصری همانند اتاق مرکزی، ایوان‌های ستون‌دار، اتاق‌هایی ساده در اطراف اتاق مرکزی هستند که ویژگی‌هایی همانند: ایجاد چشم‌انداز وسیع توسط پنجره‌ها، تعبیه حوضخانه، رواج بادگیر برای خنک کردن فضا، ایجاد سرستون و ستون در ورودی‌ها، ایوان‌های بلند، پلکان دوطرفه در محور اصلی بنا، تبدیل سه دری به دو دری، وارد شدن نور مستقیم به داخل بنا، سقف شیبدار و شیروانی، گشایش فضاها و آمیزه‌ای از معماری ایرانی و اروپایی در آن مشهود است (باقری، ۱۳۸۹: ۳۹). در دوره پهلوی اول، معمار ایرانی فرصت انتخاب یافت و انتخاب از سنت عبور کرد و تقلید از غرب با نوعی عقل‌گرایی همراه گردید؛ از این‌رو تداوم معماری سنتی- اسلامی شکسته شد. از تحولات این دوره می‌توان به توجه معماران به نیازهای زندگی خصوصی و اجتماعی مردم در ارتباط با بهداشت عمومی، از جمله: افزودن حمام و توالت در داخل خانه و تغییر در فضاسازی آشپزخانه، سرسرا و پله‌های بزرگ در وسط آن به جای شاه‌نشین و ایوان مرکزی خانه سنتی، ایجاد پنجره و تراس و در نتیجه گشایش‌های فضایی به سوی خیابان و... اشاره کرد.

با توجه به مقدمه فوق می‌توان نتیجه گرفت که: فضا و محرمیت به عنوان الگوهایی که متأثر از نیازها و هنجارهای اجتماعی شکل گرفته‌اند، معنایی بیشتر از ایجاد صرفاً فضایی با هدف کنترل محیط اطراف دارد. حفظ حریم خصوصی یک حق انحصاری است که به همه افراد خانه داده شده است. ایجاد حریم بخش جدایی‌ناپذیری از ویژگی هر شخص است و نیاز به احساس خلوت برای زندگی انسانی ضروری است. در این زمینه خانه مسکونی فضایی ایده‌آل برای انجام فعالیت‌های شخصی افراد است و مظهر حق آزادی زندگی فرد است (رک: Mahad Musa, Ravi Abdullah, Usman, Iskandar, 2021). از این‌رو در ارتباط با چگونگی تأثیرپذیری فضا و محرمیت از دیگر عوامل، پژوهشگران متعددی به بررسی موضوع پرداخته‌اند (رک: Rapoport, 2000, 2005; Ozaki, 2002; Mahgoub, 2004). نتایج بیانگر آن است که اگرچه فضا با کمک فرم خلق می‌شود اما فضا و فرم متأثر از عوامل خارجی است که بر شکل و جهت قرارگیری فرم تأثیرگذار است. در این راستا بچلارد نقش کالبد خانه را در مطالعه پدیده‌های اجتماعی این‌گونه بیان می‌کند که خانه بیانگر و ترجمه‌کننده معیارهای اجتماعی و نیازهای افراد است (Bachelard, 1994, 74).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

پژوهش حاضر به دنبال بازشناسی تغییرات اصلی در کالبد سازمان فضایی خانه‌های بیرجند در دوره انتقال و تأثیرات آن بر محرمیت است. لذا پرسش اصلی تحقیق این است که تغییر سازمان فضایی خانه، چه تأثیری بر محرمیت خانه‌ها در دوره انتقال داشته است؛ بنابراین مسئله تحقیق دو حوزه را شامل می‌شود؛ ابتدا مطالعه تغییرات اصلی در سازمان فضایی خانه‌های دوره انتقال بیرجند و سپس بازشناسی اثر تغییر سازمان فضایی بر میزان محرمیت خانه‌ها. با توجه به مقدمه فوق، فرضیه‌ای که پژوهشگران در پی اعتبارسنجی آن هستند، این است که تغییر در برخی شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم بیرجند در دوره انتقال، منجر به دگرگونی در سازمان فضایی خانه‌ها و به تبع آن کمرنگ شدن محرمیت در کالبد معماری شده است.

مرور متون و سوابق مربوطه

پژوهشگران مرتبط با حوزه معماری و شهرسازی در آثار مکتوب خویش، از محرمیت با عنوان عاملی فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی نام برده‌اند. در این رابطه ولی‌زاده اوغانی به بررسی اصول و اندیشه‌های اخلاقی در ساختار فضایی خانه‌های سنتی پرداخته است و معتقد است که خانه سنتی تجلی اخلاق است و نمود آن را در ابعاد مختلف ساختار فضایی همچون ورودی، هشتی، حیاط و اتاق‌ها می‌توان دید (رک: ولی‌زاده اوغانی، ۱۳۹۳). راستجو و بمانیان در مقاله خود با عنوان "گونه‌شناسی ساختار فضایی خانه معاصر ایرانی با تکیه بر محرمیت و سلسله مراتب" شاخص‌های فرهنگ ایرانی– اسلامی مؤثر بر ارتباطات فضایی خانه را شش عامل سلسله مراتب، تعامل با خانواده، محرمیت، امنیت، هویت و تعامل با طبیعت نام می‌برند و شاخص‌های محرمیت و سلسله مراتب را دارای بیشترین وابستگی با ارتباطات فضایی خانه نتیجه می‌گیرند (راستجو و بمانیان، ۱۳۹۸: ۵۱). هانیه اخوت در مقاله "بررسی تطبیقی ابعاد حریم در معماری سنتی و معاصر با استفاده از مدل تحلیلی BDSR[4]" معماری سنتی و معاصر خانه‌های یزد را تحلیل کرده است و معتقد است که میزان پایبندی معماری سنتی یزد به اصول محرمیت بیش‌تر از خانه‌های معاصر است (اخوت، ۱۳۹۲: ۱۰۷). علی‌الحسابی و قربانی در مقاله خود ضمن بازشناسی اصل محرمیت نتیجه می‌گیرند که ابعاد و اجزای فضای ورودی در تأمین حریم و کنترل درب ورودی متناسب با نوع عمومیت معبر متفاوت است (علی‌الحسابی و قربانی، ۱۳۹۳: ۹۵). حیدری و تقی‌پور، با تحلیل محرمیت بر اساس تئوری نحو فضا و نرم‌افزار Depthmap، در قالب سه مفهوم درونگرایی، سلسله مراتب دسترسی و عرصه‌بندی فضایی، نتیجه گرفته‌اند که با افزایش نسبت توده به فضا در الگوهای حیاط مرکزی اصل محرمیت، بیشتر رعایت شده است به گونه‌ای که خانه‌های چهارطرفه دارای بیشترین محرمیت و خانه‌های یک‌طرفه دارای کمترین محرمیت هستند (حیدری و تقی‌پور، ۱۳۹۷: ۹۸). در مقاله حیدری و همکاران، با تحلیل معیارهای مربوط به محرمیت، شامل درونگرایی، سلسله مراتب، حریم، مکان‌یابی و نهی اشراف، نتیجه گرفته شده است که محرمیت در خانه‌های ایرانی همواره وجود داشته است؛ ولی نمود آن در خانه‌های مختلف متفاوت با یکدیگر است. به عنوان مثال محرمیت در برخی موارد در قالب افزایش مرتبه فضایی و در مواردی دیگر از طریق افزایش موانع در فضا به وجود آمده است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۶). غفوریان و همکاران اصول مؤثر بر شکل‌گیری محرمیت در معماری سنتی را در قالب سه دسته کلی سلسله مراتب، درون‌گرایی و نفوذپذیری بصری قرار می‌دهند و با مقایسه آن در سه دوره تاریخی، عنوان می‌کنند که در دوره قاجار الگوی سلسله مراتبی، ورودی، هشتی ، دالان و حیاط بوده است، در دوره پهلوی، سلسله مراتب به فضای درب ورودی، فضای تقسیم مرکزی یا خطی و فضای خصوصی تغییر یافته است و در دوره معاصر، فضای نشیمن و پذیرایی را به عنوان فضای تقسیم یا حدواسط بین فضای خصوصی و خدماتی مطرح می‌کنند (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۷). مقاله "بازیابی مفهوم محرمیت در کالبد سکونتگاه‌های دیروز و امروز" با مقایسه محرمیت در خانه‌های معاصر نسبت به خانه‌های سنتی، نتیجه گرفته است که ساختار فضایی خانه سنتی دارای محرمیت بیشتر است و در ارتباط با آن برای خانه معاصر به ارائه راهکار می‌پردازد (رک: ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۴). در مقاله "بازشناسی چگونگی محرمیت در خانه سنتی ایرانی با تأکید بر مظاهر حریم خصوصی در عناصر معماری" نتیجه گرفته شده است که تمام عناصر معماری سنتی ایران، در تمامی فضاها ارتباط تنگاتنگی با محرمیت و حفظ حریم خانه برقرار کرده است (رک: کاظم‌زاده رائف و میردریکوندی، ۱۳۹۹). در مقاله "بررسی سازوکارهای تأمین حریم خصوصی در مسکن شهر ایرانی با تأکید بر نمودهای معماری سنتی– اسلامی" نتیجه گرفته شده است که تأمین حریم خصوصی بهتر است با کمک تلفیقی از معماری سنتی و تکنولوژی روز، با رعایت ارزش‌های اسلامی و ضروریات زندگی و نیازهای جامعه صورت گیرد (رک: علائی رحمانی و همکاران، ۱۳۹۷). پرهیزکار و دانشجو، در مقاله خود با عنوان محرمیت و حجاب در خانه‌های قاجار تهران، نتیجه گرفته‌اند که در دوره اول معماری قاجار در خانه‌های تهران، حجاب و محرمیت کاملاً رعایت شده است؛ اما در دوره دوم که بعد از سلطنت ناصرالدین‌شاه را شامل می‌شود و آن را معماری سنتی و تلفیقی می‌نامند، تغییرات در تزئینات و نمای ساختمان‌ها ایجاد شده است و پلان‌ها چندان تحت تأثیر قرار نگرفته‌اند. اما در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه که دوره سوم می‌نامند، سبک معماری کاملاً فرنگی جایگزین

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

معماری سنتی شده است و معماری بدور از فرهنگ ایرانی خودنمایی می‌کند (پرهیزکـار و دانشـجو، ۱۳۹۷: ۱). مجموعـه پـژوهش‌هـای فـوق گویای آن است که سبک زندگی در دوره قاجار و پهلوی متأثر از تغییرات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تغییرات قابل توجهی را داشته است و این تغییرات، دگرگونی در کالبد معماری را سبب شده است و محرمیت کالبدی به عنوان یکی از اصول و ارزش‌های خانه ایرانی تـابعی از تغییرات سازمان فضایی خانه در مواردی همچون: سلسله مراتب فضایی، نظم توده، عرصه‌بندی، فیلترها و فضاهای واسط و... بوده است.

بررسی منابع خارجی نشان می‌دهد محرمیت در معانی و حوزه‌های مختلف همچون تنهایی و خلوت، حریم اطلاعاتی، حـریم فیزیکـی و دسترسـی، ناشناس بودن و رازداری کاربرد دارد. از جمله در مقاله‌ای که با رویکردی انتقادی به بررسی مفاهیم مختلـف منـتج از محرمیـت در فرهنـگ غـرب می‌پردازد، اشکالاتی را در هریک از این تعاریف در حوزه اجتماعی غرب عنوان می‌کند (Shahriari, 2019, 104). مقایسه فرهنگی گواه آن است که قرابت چندانی بین مفهوم محرمیت در فرهنگ غربی با مفهوم محرمیت در فرهنگ شرق وجود ندارد، مگـر آنجـا کـه پژوهشـگران فرهنـگ و معماری شرق و یا اسلام را مورد توجه قرار داده‌اند؛ چراکه وجوه مشترک در معماری سنتی ایران و دیگر کشورهای اسلامی نتیجه مواردی از اشتراک در سنت، مذهب، فرهنگ و دیگر عواملی است که معماری در بستر آن رشد یافته است. این بستر الگوی شکل‌گیری محرمیت را با توجه به چگونگی تفکیک حریم شخصی و اجتماعی و همچنین تفکیک زن و مرد، جستجو کرده است. از جمله در مقاله‌ای که با هدف مرور ادبیات تحقیق، نشـریات سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۳ را مورد بررسی قرار می‌دهد، حفظ محرمیت خانه مسلمانان را دستورالعمل مشترک برای چگونگی مهمان‌نوازی و فروتنـی در کشورهای مختلف عنوان می‌کند و تأثیر عوامل فرهنگی را از مهمترین موارد در شکل‌دهی معماری می‌دانـد (رک: Othman, Aird, Buys, 2015). در این رابطه جامسون مقایسه‌ای را بین خانه‌های یونانی و خانه‌های مسلمانان کشورهای عربی انجام داده است و نتیجه گرفته است کـه خانه‌های یونان در طبقه همکف اگرچه دسترسی ویژه‌ای برای ارتباط از خارج به داخل داشته‌اند ولی آن فضا از محل اقامت بـانوان تفکیـک نشـده است، اما در خانه‌های مسلمانان تفکیک فضاها به وضوح شکل می‌گیرد (رک: Jameson, 1990). اهمیت جنسیت در تفکر سنتی شرق، تا آنجـا است که نقش‌های جنسیتی زنان و مردان در جوامع اسلامی، تعیین‌کننده چگونگی ایجاد و نحوه استفاده از هنـر و معمـاری اسـت؛ چراکـه عـاملی همانند: مذهب، در کنار ثروت، سن، موقعیت اجتماعی و ... در شکل‌گیری الگوهای مشترک و پذیرش نقش‌هـای جنسـیتی هماهنـگ اهمیـت دارد (Booth and Joseph, 2013, 37). این نوع از ارتباط چه در معماری سنتی و چه در معماری معاصر به وضوح نمـود یافتـه اسـت. در معمـاری سنتی شکل‌گیری اندرونی و بیرونی، نحوه ورود و متعلقات در ورودی و ... همگی در هماهنگی با نقش‌های جنسیتی بوده است و تحولات معمـاری دوران انتقال نیز گواه بر تغییر در نوع نگاه به نقش افراد است. در مقاله‌ای دیگری که به بررسی رابطه تأثیر عناصر معماری مرتبط با محرمیـت بـا میزان رضایت ساکنان پرداخته است، نتیجه گرفته است که شاخص‌هایی همانند ارتفاع سقف، فضای نیمه‌باز، سطح کف و یا طبقه، مبلمـان ثابـت، حیاط داخلی، پنجره‌ها، میزان روشنایی و میزان دسترسی به فضا در دستیابی به میزان مطلوبی از محرمیت وابسته به سن و جنسیت متفـاوت اسـت (رک: Kazemi, Soheili, 2019). مطالعات صورت‌گرفته در منابع خارجی و تأکیدات پژوهشگران نشان می‌دهد که شـکل‌گیـری محرمیـت در خانه، از گذشته تاکنون بیشتر متمرکز بر حوزه معمـاری خانـه و چگـونگی طراحـی شـهری بـوده اسـت (رک: Bahammam, 1987; Abu-Ghazzeh, 1995; AlHemaidi, 1997; Saleh, 1998; AlEnazy, 2007; Daneshpour et al, 2012).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر با رویکردی اثبات‌گرایانه نمود محرمیت به عنوان متغیر وابسته تحقیق در سازمان فضایی خانه بـا معیارهـایی هماننـد: نظـم توده و فضا، نسبت توده و فضا، سلسله مراتب حرکتی، ایوان و دالان، ورودی، هشتی و اتاق‌ها، به عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به موضوع تحقیق از دو روش تاریخی و توصیفی تحلیلی متناسب با بخش‌های مختلف، استفاده شده اسـت. در روش توصـیفی، تحلیل کمی همسو با یافته‌های پژوهش مدنظر بوده است؛ همچنین دو شیوه اسنادی و میدانی متناسب بـا حـوزه مطالعـات تـاریخی معمـاری کاربرد داشته است. روش میدانی سه مرتبه مشاهده، رولوه و مستندسازی را شامل می‌شود.

جامعه آماری، حجم و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش حاضر مشتمل بر خانه‌های ساخته شده در دوره سوم قاجار (از ۱۲۶۰ تـا ۱۳۰۴ هجری شمسی) و دوره حکومت پهلوی اول (از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی) در شهر بیرجند است. تمامی نمونه‌هـا در فهرسـت آثـار ملی ثبت شده‌اند. بر این اساس تعداد ۲۵ باب خانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که نه باب از آن متعلق به دوره قاجار، هشـت بـاب دوره قاجـار- پهلوی و هشت باب متعلق به دوره پهلوی است. خانه‌های مورد بررسی دوره قاجار شامل خانه‌های آراسته، پردلی، هـادوی، صـفاریان، طـالبی، حسین جعفر، کریم‌زاده، مهرور و اعتمادی‌نیا می‌باشد. خانه‌های دوره قاجار- پهلوی شامل خانه ادهمی، بی‌بی مـرادی، دلاکـه، فرهنـگ، لالـه، نورانی، رایفرد و حسن‌دوست است. همچنین نمونه‌های مورد بررسی در دوره پهلوی مشتمل بر خانه خسروی، ساجد، شریف، فـاطمی، مـالکی، گلاوی، کوزه‌گران و خواصی است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

مبانی نظری

اصل محرمیت[1]: محرمیت بر اساس فرهنگ جوامع قابل تعریف است؛ بنابراین مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی، واژه محرمیت در میان قوم‌های مختلف، متفاوت خواهد بود. واژه "محرمیت" در فرهنگ عمید از کلمه حرم می‌آید و به معنای پیرامون، مرز و قلمرویی است که دفاع و حمایت از آن واجب است (عمید، ۱۳۶۵: ۹۳۹). در فرهنگ لغت مریام وبستر به عنوان کیفیت یا حالتی از وجود یا بودن در نظر گرفته می‌شود که از همراهی با جمع یا مشاهده شدن بر حذر است (رک: Merriam- Webster, 2009). فرهنگ لغات آکسفورد محرمیت را حالت یا شرایطی از بودن تنها، بدون مزاحمت یا آزاد از هرگونه توجه و نگاه عمومی در چارچوب موضوعیت حق و انتخاب تعریف می‌کند (رک: Stevenson, 2010).

اگرچه در تعریف واژه محرمیت، محرمیت وابسته است به شخصیت افراد و میزان تمایلی که فرد به کنترل محیط اطراف خود دارد (رک: Bekci and Ozbilen, 2012)؛ ولی چون این ویژگی متأثر از عوامل فرهنگی در هر دوره تاریخی است، تعریف محرمیت و چگونگی نمود آن نیز وابسته به فرهنگ دوره‌های مختلف تاریخی، تحول داشته است. بررسی نظرات تمامی محققان این حوزه گویای رابطه محرمیت فضا و فرهنگ است (رک: Altman, 1977; Edwards, 2011; Rapoport, 2005). در تعریف محرمیت در فرهنگ غرب، چهار نگاه و یا اصطلاح را می‌توان مشاهده نمود که عبارتند از: واژه "Alone and Free" که مفهوم تنهایی و یا خلوت را به دنبال دارد، واژه " Private Information" که حریم اطلاعاتی را پوشش می‌دهد، واژه "Control" که ناظر بر دسترسی فیزیکی و قلمرو است و نهایتاً نگاهی ترکیبی که رازداری، تنهایی و ناشناس بودن را هدف قرار می‌دهد (Shahriari, 2019, 104). در فرهنگ شرق محرمیت براساس اصالت جهان درون و برتری آن بر دنیای بیرون تعریف شده است. در این رابطه سیفیان و محمودی «محرمیت» را از مهمترین اصول در معماری سنتی ایران می‌دانند که به بهترین وجه در تمامی بناها به‌کار گرفته شده است (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶: ۴). حکیم از محرمیت به عنوان یکی از معیارهای طراحی شهر اسلامی نام می‌برد و توجه به حریم خصوصی را مهم می‌داند؛ از این‌رو برخورداری از آن و احترام به آن به عنوان یک حق مورد توجه قرار گرفته است (حکیم، ۱۳۸۱: ۲۳۹). نقی‌زاده معتقد است که هر حریمی با ویژگی‌های خاص به عده‌ای خاص تعلق دارد که در صورت تحصیل شایستگی‌ها و بایستگی‌ها امکان وصول به آن و همچنین عبور از آن در جهت رسیدن به منزل بالاتر میسر می‌گردد (سیفیان و محمودی به نقل از نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۸). وجه مشترک اکثریت این نظریات، نگاه به محرمیت بر مبنای حریم کالبدی و معنایی است (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶: ۶). در این رویکرد حریم کالبدی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل می‌دهد و با مفهوم قلمرو در این زمینه همخوانی دارد که حوزه‌های مختلف را در معماری سنتی به‌وجود آورده است. از جمله این موارد می‌توان به حیاط، سه‌دری، پنج‌دری، ایوان، مجموعه ورودی و ... اشاره کرد. و مراد از حریم معنایی، ویژگی‌هایی است که حرمت و ارزش را برای فضا به وجود می‌آورد و با نظم سلسله مراتبی، زمینه‌ای از درون‌گرایی را ایجاد می‌کند. بر این اساس است که محرمیت پهنه‌بندی فضایی را در خانه سنتی برقرار می‌کند و پایه و اساس حضور را می‌گذارد و آرامش دل را برای تعالی معنوی انسان سبب می‌شود (رک: Moradinasab, 2021). با توجه به موارد فوق بعد معنوی خانه علاوه بر بعد کالبدی آن اهمیت می‌یابد و شاید همین امر موجب ماندگاری آن در گذر زمان شده است. در راستای تحقق بعد کالبدی و معنوی خانه محرمیت به عنوان یکی از مؤلفه‌هایی است که می‌تواند نیازهای مادی و معنوی انسان را در این فضا پاسخ دهد و آرامش فضا را سبب شود. محرمیت که مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های ایرانی است، دربرگیرنده و تحقق‌بخش چگونگی ارتباط با خود، ارتباط با خانواده، ارتباط با جامعه و ارتباط با خداوند است.

در اسلام محرمیت در ارتباط با حفظ حریم خانواده به عنوان "اساس ساختار اجتماعی- فرهنگی جامعه" تعریف شده است. مطابق این دیدگاه رعایت محرمیت سکونتگاه‌ها، به عنوان ضرورتی برای حفظ پاکی و منزهی فضای زندگی است. رویکرد اسلام درباره اصل محرمیت به سه گونه محرمیت بصری، محرمیت صوتی و محرمیت رفتاری قابل تفکیک است. چنین رویکردی ارزش‌های فرهنگی و مذهبی خاصی را در پیوند با فضای مسکونی به وجود آورده است (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳). از نظر قرآن، خانه در مقام و جایگاه برجسته‌ای است؛ تا آنجا که حفظ حریم آن بر همگان توصیه شده است. به عنوان مثال در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» خداوند ورود به خانه غیر را بدون اذن و سلام ممنوع می‌کند و حرمت این حریم را مقدس می‌داند (قرآن کریم. نور، آیه۲۷). حریم خصوصی ارائه شده در اسلام تضمین امنیت و حفاظت از پنج عنصر زندگی، عقل، دین، مال و کرامت است (رک: Musa et.al, 2021). با توجه به دیدگاه فوق هدف از محرمیت در معماری، کالبد دادن به فضا به نحوی است که دربرگیرنده حریم کالبدی، معنایی، عملکردی، فرهنگی و اجتماعی باشد؛ از این‌رو "اصل محرمیت" به عنوان مفهومی اجتماعی و ارزشی به زیبایی در معماری و شهرسازی سنتی ایران متجلی شده است و آثار آن در سازماندهی فضایی و نحوه قرارگیری عملکردها نمود دارد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

سازمان فضایی[۲]: دو دیدگاه را در ارتباط با چگونگی شکل‌گیری مفهوم خانه می‌توان عنوان کرد. در سطح خرد خانه تشکیل شده است از حریم شخصی، حریم اجتماعی افراد خانواده و فیزیک خانه، که سازمان فضایی و فضا را ایجاد می‌کند و در سطح کلان عواملی همانند آب و هوا، فرهنگ، عوامل اقتصادی و اجتماعی و دین، که تعیین‌کننده هنجارها و تصورات افراد از خانه است (رک: Altman, Chemers, 1984). در پژوهش حاضر، تأکید بر رابطه میان عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی و خصوصی، به عنوان سازمان فضایی خانه است. سازمان فضایی خانه با تمرکز بر چگونگی تعامل فضاها و افراد با یکدیگر زمینه را جهت حضور نظم و سازمان متأثر از روابط افراد خانواده و عوامل خارجی در ساختاری معمارانه سبب می‌شود (رک: Kazemi, Soheili, 2019)؛ از این‌رو شناخت سازمان فضایی خانه، موضوعی بسیار مهم است که از یک‌سو منجر به درک و کنترل یک سیستم پیچیده می‌شود و از سوی دیگر ابزاری لازم جهت طراحی عملکرد و ساختاری منسجم است. یکی از مهمترین مشخصه‌های سازمان فضایی خانه رابطه میان عرصه‌های عمومی، خصوصی و نیمه عمومی است. گروتر معتقد است که در عین اصلیت و اهمیت داشتن هریک از این عرصه‌ها، فضای عمومی و خصوصی در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر هستند (گروتر، ۱۳۸۸: ۲۲۴).

سازمان فضایی با هدف هماهنگی با بعد معنوی و کالبدی خانه، قابلیت تقسیم به دو نظام را دارد: نظام شکل و نظام معنا. در این ارتباط هر شکل باید مبتنی بر معنا و یا هدفی موجودیت یابد و فهم معنا نیز مبتنی بر درک نظام شکل امکان‌پذیر است. بر اساس نظام شکل و معنا، موارد زیر به عنوان عوامل مطرح و تأثیرگذار بر سازمان فضایی در خانه‌های سنتی قابل بررسی است:

– موقعیت: موقعیت هر عنصر در ارتباط با کل اثر معنا می‌یابد. به عبارت دیگر هر فضا با شکل معین و مقیاس مشخص بر اساس استقرارهای گوناگون، دلالت‌های معنایی متفاوت خواهد داشت. قرارگیری فضاها و عناصر در لایه‌های مختلف فضایی، قابلیت‌هایی را در خانه سنتی سبب شده است که شکل‌گیری مفاهیم اندرونی و بیرونی، درون‌گرایی و انواع حریم از نتایج آن است.

– روابط: این ویژگی بر چگونگی ترکیب یک عنصر با دیگر عناصر اشاره دارد که بر اساس آن معنا و شکل، نمود می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که معنا و شکل ترکیبی، متفاوت از معنا و شکل در وضعیت تفریدی است. در نماهای خانه معمولاً ورودی به فضاهای داخلی مشاهده نمی‌شود و دسترسی به اتاق‌ها از طریق ایوان و یا دالان است. مرکز اصلی فعالیت در خانه، حیاط بوده است و اکثریت فضاها بر اساس چگونگی ارتباط با حیاط نظم می‌گرفتند. تفکیک فضاها مبتنی بر میزان ارتباط با افراد خانواده و مهمانان در الگوی معماری خانه سنتی قابل توجه است. بررسی خانه‌های سنتی گویای آن است که روابط فضاها از ورود تا آخرین نقطه تعیین‌کننده چگونگی حرکت و شکل‌دهنده سلسله مراتب در خانه سنتی است.

– مقیاس: این ویژگی بیانگر تفاوت در معنا بر اساس تغییر در مقیاس، نسبتها و اندازه فضا است. به عبارت دیگر، یک فضا با فرم مشخص در مقیاس‌های متفاوت دلالت‌های معنایی متفاوتی را خواهد داشت. بررسی نسبت توده به فضا، تناسبات حیاط و اتاق‌ها و همچنین تناسبات ارتفاعی در فضاهای مختلف خانه، گواه بر نقش و اهمیت تناسبات در سازمان فضایی خانه سنتی است. شکل‌گیری مفاهیمی همانند: محرمیت، کشش و حرکت، اصلی و فرعی، باز و بسته، تباین و ... از نتایج رعایت و اهمیت تناسبات است.

– عملکرد: عملکرد هر فضا، بستر تولید معنا و شکل است. بر این اساس یک پدیده واحد به ازای عملکردهای مختلف، از نتایج متفاوتی برخوردار است. عملکرد فضاها متأثر از عوامل درونی و بیرونی دارای روندی تحولی هستند. از این‌رو عملکردها در معماری سنتی مبتنی بر نوع رابطه افراد با اعضای خانواده، جنسیت و نوع فعالیت متمایز از یکدیگر بوده‌اند.

– زمان: سازمان فضایی متأثر از تحول عملکرد، روابط، مقیاس و موقعیت، در بردار زمان تغییر می‌یابد. در این حالت تغییرات شکل و معنا به چهار صورت ممکن است خودنمایی کند: نخست آن‌که شکل و معنا متناسب با یکدیگر و هماهنگ با تحول تولید می‌شوند. دوم آن‌که شکل و معنا، هردو در زمان بازمانده‌اند. سوم؛ معنا دگرگون شده است و شکل در زمان بازمانده است و چهارم آن‌که شکل متحول شده است ولی معنا در زمان بازمانده است. دوره انتقال، دوره‌ای از معماری ایران است که تحولات تاریخی، تغییر در شکل و معنا را تواماً سبب شده است.

نظام کالبدی محرمیت: هر مفهوم و یا کالبد در صورت هدفمندی نیازمند سازمانی است که با نظام درونی خود، تمامی عناصر و اجزاء را همسو با یکدیگر در جهت تحقق هدف، کنترل نماید. محرمیت نیز به عنوان مفهومی که در کالبد معماری نمود عینی می‌یابد، سازمانی را می‌طلبد که متناسب با جایگاه محرمیت، نظام ارزشی و نظام کالبدی آن قابل تعریف است. از آنجا که حریم خصوصی مکانیزمی است که روابط را کنترل می‌کند و همچنین این مفهوم را جدا از رفتارها نمی‌توان مطالعه کرد و از سوی دیگر بستر شکل‌گیری رفتار، کالبد خانه است؛ ضروری است که نظام کالبدی آن متأثر از نظام کالبدی خانه باشد که همسو با ایجاد سلسله مراتب خواهد بود (Nasrollah Hoseini, Nourtaghani, Pazhouhanfar, 2019, 179). از این‌رو ایجاد فاصله و یا تفکیک بین حریم خصوصی با دیگر حریم‌ها، در بسیاری موارد مرتبط با چگونگی ساماندهی نظام کالبدی است. الگوی رایج فضای بسته، نیمه‌باز و باز (اتاق+ ایوان+ حیاط) نمونه‌ای از ساماندهی است

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

که در ایجاد محرمیت در معماری گذشته بسیار مؤثر بوده است. بابازاده اسکویی و همکاران نیز کنترل ارتباطات فضایی در معماری را عامل کنترل ارتباطات رفتاری در تعاملات انسانی می‌دانند که نقش عمده‌ای در تأمین حریم بصری، دسترسی و ... و در نتیجه حریم روانی دارد. بنابراین تدوین نظام کالبدی معماری می‌تواند در ارتقای کیفی رفتارهای انسانی تأثیرگذار باشد (رک: بابازاده اسکویی و همکاران، ۱۳۹۸). از این‌رو در معماری، تحقق محرمیت با کمک عناصری همانند سطوح، بازشوها، مبلمان و فضاهایی همچون ورودی، ایوان، دالان، فضای تقسیم، فضاهای واسط، اتاق‌ها و ... و همچنین تدوین قوانین و ضوابط معماری و شهرسازی صورت می‌گیرد. مجموعه این ابزارها و راهکارها و چگونگی ترکیب و استفاده از آن، حریم‌های صوتی، بصری، حرکتی، قانونی و ... را متناسب با فرهنگ جامعه شکل خواهد داد. در این رابطه مؤمنی و همکاران با بررسی خانه‌های دزفول نتیجه گرفته‌اند که تمام عناصر معماری سنتی، از لحظه ورود به بنا تا لحظه حضور در هریک از فضاها، برای ایجاد محرمیت در معماری نقش مؤثر و ویژه‌ای دارند (رک: مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۷). هیس‌کات، کلیه عناصر فضایی و معماری خانه مانند: درها، پنجره‌ها و اتاق‌ها و ... را دارای ویژگی‌های کاربردی مؤثر بر رفتار و تعاملات انسانی می‌داند که صرفاً وابسته به مساحت خانه، سبک معماری و ارزش اقتصادی نیست، بلکه برآورده ساختن نیازهای شخصی و اجتماعی ساکنان خانه نیز در شکل‌گیری آن تعیین‌کننده است (رک: Heathcote, 2012). ترکمان و جلالی عناصری را همانند: جداره خارجی بنا، سکو، ورودی، دالان، کوبه‌های در، هشتی، اتاق، پنجره، حیاط مرکزی و بام را ابزارهای ایجاد کننده محرمیت در معماری عنوان می‌کنند (ترکمان و جلالی، ۱۳۹۷: ۵). ضرغامی و همکاران در بررسی خود به مواردی همچون چرخش فضاها، اختلاف سطح، دیوار، ورودی، هشتی، دالان، حیاط، ایوان، ارسی و شباک می‌پردازند و به نقش هریک از این موارد در شکل‌گیری حریم اشاره می‌کنند (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸). کاظم‌زاده رائف و میردریکوندی حریم را در کالبد خانه سنتی به دو دسته حریم عمومی و خصوصی تقسیم‌بندی کرده‌اند. مرتضی حریم خصوصی خانه‌های سنتی را دارای چهار لایه می‌داند که عبارتند از: لایه حریم خصوصی فردی، لایه حریم خصوصی با همسایگان، لایه حریم خصوصی بین مردان و زنان و لایه حریم خصوصی بین افراد خانواده (Mortada, 2003, 152). حریم خصوصی به دو قالب حریم بصری و صوتی قابل تفکیک است. حریم بصری در سایت خانه از طریق عناصری همانند در ورودی، پنجره‌ها، ایوان و بالکن تحقق یافته است و در پلان خانه با کمک شکل‌گیری عرصه عمومی و خصوصی به‌وجود می‌آید. همچنین حریم صوتی در سایت با کمک دیوارها، سقف و طبقات و در پلان خانه از طریق منطقه‌بندی به منطقه مردان، منطقه زنان و منطقه خدمات ایجاد شده است (کاظم‌زاده رائف و میردریکوندی، ۱۳۹۹: ۳). علاوه بر بررسی عناصر معماری، حیدری و تقی‌پور با بررسی نسبت توده و فضا در معماری، تأثیرات آن را بر مواردی همچون عرصه‌بندی، درون‌گرایی و سلسله مراتب مورد بررسی قرار می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که با افزایش نسبت توده به فضا در خانه‌های حیاط مرکزی، محرمیت فضایی افزایش یافته است (حیدری و تقی‌پور، ۱۳۹۷: ۹۸).

مجموعه پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که هر زمان عناصر کالبدی ایجادکننده محرمیت (بازشوها، راهروها، فیلترها، ورودی، اتاق و ...) توانسته است جایگاه خود را در نظام سازمان فضایی خانه که عبارتند از: مقیاس، روابط، موقعیت و عملکرد فضاها به درستی بیابد، مفاهیمی همانند درون‌گرایی، عرصه‌بندی، سلسله مراتب و نهی اشراف همسوی با یکدیگر در جهت تحقق محرمیت در خانه نمود یافته‌اند. از این‌رو با هدف شکل‌گیری این پیوند، روش‌ها و راهکارهایی در طراحی و ساخت خانه سنتی استفاده شده است. در این رابطه ضرغامی و همکاران استفاده از چرخش فضاها، اختلاف سطوح، ایجاد مفصل و نحوه ساماندهی فضا را از روش‌های می‌دانند که می‌تواند موجد حریم فضاها باشد (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳). همچنین بابازاده اسکویی و همکاران مواردی همچون عرصه‌بندی فضایی، مرز فضایی، فضای بینابین، سلسله مراتب و عمق فضایی را راهکارها و مفاهیمی در جهت دستیابی به محرمیت در معماری عنوان می‌کنند (بابازاده اسکویی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹). بمانیان و راستجو نیز ایجاد گره میان فضاها را از راهکارهای ایجاد محرمیت در خانه عنوان می‌کنند (بمانیان و راستجو، ۱۳۹۶: ۱۰).

دوره انتقال[۳]: تاریخ اقوام و کشورها همواره با تغییر و تحولات عجین بوده است. سرعت تحولات متأثر از چیستی و چگونگی عملکرد عوامل تحول و میزان تأثیرگذاری آن بر جوامع است. نخستین تمایل ایران به آشنایی با اوضاع اروپا، در دوره فتحعلی‌شاه و جنگ‌های ایران و روس ظاهر می‌شود. جذب مستشاران خارجی، ترجمه کتب خارجی، احداث کارخانجات مختلف و تغییر در ارکان نظامی و بعدها سیاسی در این دوره صورت گرفت (رک: قبادیان، ۱۳۹۲). در پی آن، زمینه برای نفوذ سیاسی و فرهنگی بیشتر دولت‌های اروپایی در ایران فراهم شد و به تبع آن تمایل به تجدد ظاهری در کنار تغییرات فرهنگی بوجود آمد و آشنایی با اصلاحات شهری و معماری در اروپا، در کنار تمایل شاه برای ساختن عمارت‌هایی به فریبندگی کاخ‌ها و قصرهای اروپایی، زمینه را برای تغییرات تدریجی معماری فراهم کرد. (رک: محمودآبادی، ۱۳۹۱). تحولات عصر قاجار به صورتی است که تغییرات در معماری به تدریج رخ می‌دهند و کم‌کم به صورت عناصر خاص هر دوره، خود را در قالب سبکی جدید نشان می‌دهند. پس از قاجار، حکومت پهلوی اول، تغییرات را با عزم بیشتر دنبال کرد؛ از این‌رو تحولات در همه شئون و جنبه‌های زندگی مردم بوجود آمد و بر معماری نیز تأثیر گذارد. در این دوره با توجه به تحولاتی که در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

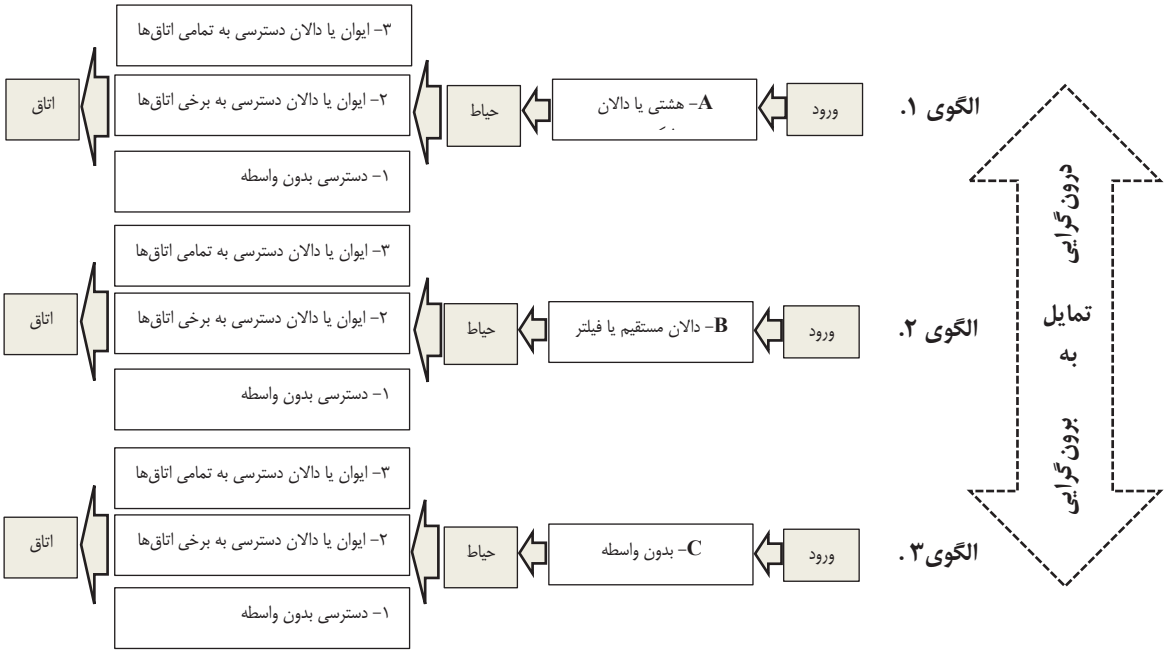
شهرها اتفاق افتاد، تغییرات اساسی در گرایش‌های ذهنی، باورها و اعتقادات جامعه به وجود آمد که بازتاب آن در قالب الگوهای رفتاری تجلی یافت و در معماری، خانه‌ها را تحت تأثیر قرار داد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵). همچنین در این دوره به دلیل عدم توانایی در تولید تکنولوژی در داخل کشور و یا بومی‌سازی آنها، عناصر وارداتی در معماری نیز خود را با بافت سنتی، مبانی نظری و الگوهای بومی هماهنگ نکردند و این الگوها به نفع الگوهای فرنگی کنار گذاشته شدند و بستر برای حضور معماری مدرن غربی در دوره پهلوی فراهم شد. موسوی و همکاران با بررسی خانه‌های شرق کشور نتیجه گرفته‌اند که تغییرات سیاسی، اجتماعی و ساختارهای فرهنگی در دوران اواخر قاجار و پهلوی، زمینه تغییر در ساختار کالبدی شهرها را به‌وجود آورد. آنها تغییرات ایجاد شده در معماری این دوره را متأثر از تغییرات در سبک زندگی می‌دانند که به تدریج و نه یک شبه به‌وجود آمده است (رک: Mousavi, Tabassi & Mehdizadeh Seraj, 2022).

در این دوره با پرداختن به معماری غرب که با بازگشت تعداد زیادی از معماران فرنگ‌رفته ظهور می‌یافت، هدف، فراموش شدن نظام گذشته و آثار آن، در جهت جلوه‌گر ساختن آثار نظام سیاسی تازه بود (شیرازی و یونسی، ۱۳۹۰: ۶۱). بسیاری انقراض قاجار و آغاز دوره پهلوی را نقطه عطفی در تاریخ ایران می‌دانند. به باور آنها، اندیشه تجدد طلبی رضاشاه و منش اقتدارگرایانه‌اش در پیاده‌سازی آن اندیشه‌ها، تغییراتی بنیادین در سیاست و اجتماع ایران به‌وجود آورد. اما در سوی دیگر، گروهی بر این باورند که تحولات ایران در عصر پهلوی ریشه در تغییرات دوران قاجار داشته و پدیده نوظهوری نبوده است. در این تعبیر، همانا بازیگران اصلی دوره قاجار بودند که پس از انقراض این سلسله، پایه‌های حکومت پهلوی را تشکیل دادند.

تحقیق حاضر بازه زمانی اواخر دوره قاجار (۱۲۶۰تا ۱۳۰۴ هجری شمسی) و حکومت پهلوی اول (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی) را در بر می‌گیرد. پژوهشگران برای این دوران دو واژه مختلف "انتقال" و "گذار" را به‌کار برده‌اند. ابراهیمی و اسلامی از واژه گذار به تغییر از وضعیتی به وضعیت دیگر تعبیر می‌کنند که در طی زمان صورت می‌گیرد و موجب شکل‌گیری موجودیت‌های نو و دگرگونی در بسیاری از هویت‌های موجود است. از این‌رو دوره گذار، دوره‌ای تأثیرگذار و پرتشتت محسوب می‌گردد و شناخت آن منجر به درک بهتر تغییرات و کمک به سازماندهی مجدد تمامی زیرساخت‌ها می‌باشد (ابراهیمی و اسلامی، ۱۳۸۸: ۴). رمضانی از واژه انتقال، به تغییرات اساسی تعبیر می‌کند و در ارتباط با معماری معتقد است که در دوره انتقال تغییرات اساسی در کالبد و کارکرد معماری بوجود آمده است (رک: رمضانی، ۱۳۹۰). گذار به معنی عبور کردن و گذشتن است و انتقال به معنای جابجا شدن آورده شده است. با توجه به آنکه تغییرات در دوره قاجار تدریجی و آهسته بوده است و دگرگونی خاصی در معماری نسبت به دوران قبل بوجود نیامده است، اصطلاح گذار برای آن مناسب است؛ اما با توجه به اینکه تغییرات دوران رضاشاه نسبت به دوره قاجار، تغییراتی اساسی در اصول، شکل و سازه معماری ایرانی بوده است، تعبیر انتقال را برای آن در پژوهش استفاده کرده‌ایم.

یافته‌های تحقیق

با بررسی اجمالی مبانی نظری و خانه‌های سنتی می‌توان ۳ الگو را در سلسله مراتب حرکتی در فضای کالبدی تشخیص داد که تعیین‌کننده شاخصی مهم در میزان محرمیت خانه‌ها است. نحوه حرکت و دسترسی در این الگوها مطابق با تصویر ۱ معرفی می‌گردد:

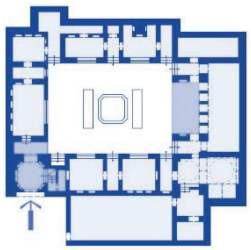
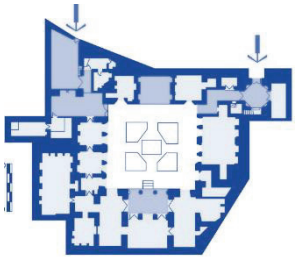
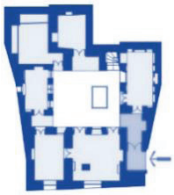
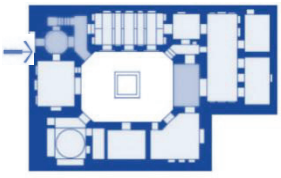
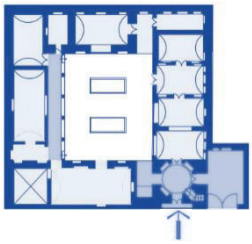
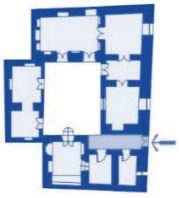
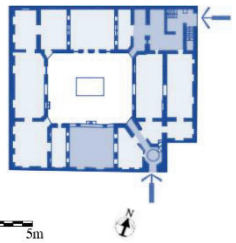
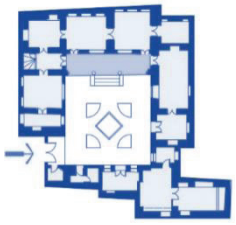
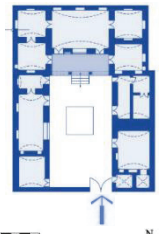
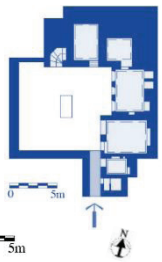
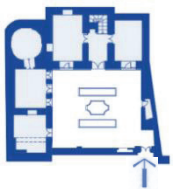


تصویر ۱- الگوهای سلسله مراتب حرکتی در خانه‌ها

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

با تطبیق نمونه‌های جامعه آماری با الگوی سلسله مراتب حرکتی مشخص می‌گردد که از میان ۹ زیرمجموعه الگوهای فوق، ۷ تیپ در خانه‌های بیرجند قابل مشاهده است. جدول ۱ نوع الگوی هریک از نمونه‌ها را به تفکیک دوره تاریخی مشخص می‌کند.

جدول ۱- تیپ‌های سلسله مراتب حرکتی در خانه‌های بیرجند

دوره قاجار	دوره قاجار- پهلوی	دوره پهلوی
تیپ A3  خانه حسین جعفر	تیپ A3  خانه فرهنگ	تیپ A2  خانه ساجد
نمونه‌های مشابه: –	نمونه‌های مشابه: خانه‌های لاله، حسن‌دوست	نمونه‌های مشابه: خانه‌های فاطمی، مالکی
تیپ A2  خانه کریم‌زاده	تیپ A2  خانه رایفرد	تیپ A1  خانه خواصی
نمونه‌های مشابه: خانه‌های آراسته، پردلی،طالبی، مهرور، اعتمادی‌نیا	نمونه‌های مشابه: خانه ادهمی	نمونه‌های مشابه: خانه گلاوی
تیپ A1  خانه هادوی	تیپ B2  خانه بی‌بی مرادی	تیپ C2  خانه کوزه‌گران
نمونه‌های مشابه: خانه صفاریان	نمونه‌های مشابه: خانه دلاکه	نمونه‌های مشابه: خانه شریف
	تیپ B1  خانه نورانی	تیپ C1  خانه خسروی
	نمونه‌های مشابه: –	نمونه‌های مشابه: –

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

مبتنی بر بررسی‌های میدانی و اسنادی موارد: عرصه، توده، ورودی، هشتی، حیاط، ایوان و اتاق‌ها در خانه‌های تاریخی بیرجند به تفکیک دوره تاریخی، در جدول ۲ ارزیابی شده‌اند.

جدول ۲- یافته‌های پژوهش درباره سازمان فضایی خانه‌ها به تفکیک دوره

خانه	مساحت عرصه	مساحت توده	نسبت توده به فضا	الگو سلسله مراتب حرکتی	تیپ	نظم توده و ورودی	تعداد ورودی	ورودی مستقیم ورودی و هشتی	ورودی با واسطه
دوره قاجار									
حسین جعفر اعتمادی نیا	۵۲۴	۴۰۵	۰/۷۷	۱	A3		۱	ندارد	۱
طالبی	۵۳۲	۴۵۸	۰/۸۶	۱	A2		۱	ندارد	۱
آراسته	۵۳۰	۴۱۷	۰/۷۸	۱	A2		۱	ندارد	۱
کریم‌زاده	۳۶۱	۳۰۰	/۸۳	۱	A2		۱	ندارد	۱
پردلی	۳۴۲	۲۸۰	/۸۰	۱	A2		۱	ندارد	۱
مهرور	۵۳۲	۳۳۵	/۶۳	۱	A2			ندارد	۱
هادوی	۳۴۷	۲۷۸	/۸۰	۱	A1		۲	ندارد	۲
صفاریان	۲۷۵	۲۴۱	/۸۷	۱	A1		۱	ندارد	۱
حسن‌دوست	۴۵۵	۳۴۸	/۷۶	۱	A3		۱	ندارد	۱
دوره قاجار- پهلوی									
فرهنگ	۴۶۷	۳۸۳	/۸۲	۱	A3		۲	ندارد	۲
لاله	۳۴۰	۲۷۶	/۸۰	۱	A3		۱	ندارد	۱
رایفرد	۴۳۰	۳۴۰	/۷۹	۱	A2		۱	ندارد	۱
ادهمی	۳۳۴	۲۴۹	/۷۵	۱	A2		۱	ندارد	۱
بی‌بی مرادی	۳۴۲	۲۶۳	/۷۷	۲	B2		۱	۱	ندارد
دلاکه	۷۴۱	۴۷۸	/۶۴	۲	B2		۱	۱	ندارد
نورانی	۲۴۸	۱۶۴	/۶۶	۲	B1		۱	ندارد	۱
ساجد	۱۸۵	۱۵۵	/۸۳	۱	A2		۱	ندارد	۱
فاطمی	۱۹۲	۱۴۳	/۷۴	۱	A2		۲	ندارد	۲
مالکی	۴۶۷	۲۸۲	/۶۰	۱	A2		۲	۱	۱
خواصی	۱۵۷	۱۳۰	/۸۲	۱	A1		۱	ندارد	۱
گلاوی	۱۹۰	۱۵۸	/۸۳	۱	A1		۱	ندارد	۱
دوره پهلوی									
کوزه‌گران	۲۸۱	۲۰۲	/۷۳	۳	C2		۱	۱	ندارد
شریف	۱۴۳۰	۵۵۴	/۶۱	۳	C2		۳	۲	۱
خسروی	۲۴۱	۱۶۴	/۶۸	۳	C1		۱	۱	ندارد

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

خانه		دوره قاجار																		دوره قاجار– پهلوی														دوره پهلوی									
		حسین جعفر	اعتمادی نیا	طالبی	آراسته	کریم‌زاده	پردلی	مهرور	هادوی	صفاریان	حسن‌دوست	فرهنگ	لاله	رایفرد	ادهمی	بی‌بی مرادی	دلاکه	نورانی	ساجد	فاطمی	مالکی	خواصی	گلاوی	کوزه‌گران	شریف	خسروی
حیاط	تعداد جهات توده	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۲	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۳	۴	۳	۲	۴	۴	۲	۴	۳	۳	۲	۲
	نقش حیاط مرکزی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*		*
ایوان	تعداد ایوان	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	ندارد	۰	۱	۲	۱	۱	ندارد	۱	۱	۱	۱	ندارد	ندارد	۱	ندارد	ندارد	۱	ندارد	ندارد
اتاق	ورود از ایوان	*		*	*	*	*	*				*	*	*		*	*		*			*			*		
	ورود از دالان	*	*	*	*		*				*	*	*	*	*					*	*	*				*	
	ورود از حیاط		*	*	*	*	*	*	*	*				*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*		*

بحث و تحلیل

چنانچه محرمیت را توانایی شخصی و یا گروهی در کنترل تعاملات اجتماعی عنوان کنیم، اگرچه آلتمن از آن به عنوان "انتخاب" و یا شوارتز با عنوان "کناره‌گیری" یاد می‌کنند و معتقدند که مردم شبکه‌ای از مکانیسم‌های رفتاری را برای مدیریت تعاملات اجتماعی خود استفاده می‌کنند؛ اما پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برای دستیابی به حریم خصوصی، فضاهای طراحی شده باید پاسخگو باشند. آندیا در مطالعه خود با بررسی دیدگاه‌های صاحبنظران عواملی همانند طرح و ظاهر ساختمان‌ها، چیدمان و خصوصیات اتاق‌ها، مشخصات تجهیزات و مبلمان و شرایط محیطی را به عنوان عوامل فیزیکی عنوان می‌کند (Ondia, Hengrasmee & chansomsak, 2019, 8). زایزل عوامل فیزیکی را در دو گروه موانع و میدان‌ها قرار می‌دهد. موانع عناصر فیزیکی هستند که جداکننده حریم افراد از یکدیگر هستند و از طریق سطوح دیوارها، کف، مبلمان و ... نقش خود را ایفا می‌کنند، میدان‌ها عناصر فیزیکی هستند که از طریق تأثیر بر ادراک انسان، زمینه تغییر فضا و ایجاد حریم را سبب می‌شوند. عواملی همانند شکل، جهت، اندازه، شرایط محیطی، روشنایی، نحوه حرکت و دسترسی در این گروه قرار می‌گیرند (رک: Zeisel, 1984). دیگر پژوهش‌ها نیز در لزوم شکل‌گیری حریم به عوامل فیزیکی اشاره نموده‌اند. در پژوهش حاضر این عوامل در دو گروه سلسله مراتب حرکتی و عناصر کالبدی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

سلسله مراتب حرکتی: رعایت سلسله مراتب حرکتی و فضایی در داخل خانه، سبب شده بود که گذر و حرکت از قلمروی به قلمرو دیگر به صورت آنی و بدون ایجاد شرایط روانی و فیزیکی امکان‌پذیر نباشد. در این صورت خانواده در معرض دید افراد نامحرم قرار نمی‌گرفتند و فضاهای خصوصی در معرض دید عموم نبودند. بنابراین پوشیدگی درونی خانه‌ها از نتایج رعایت سلسله مراتب در خانه سنتی است. شکل‌گیری این سلسله مراتب متأثر از رعایت عواملی همچون: مرزبندی فضاها با کالبدهای تعریف‌شده، بهره‌گیری از فضاهای واسط و فاصله انداز به نام میاندر در بین فضاهای اصلی، امتناع از یکپارچگی فضاها و حذف مرزها، دارا بودن ویژگی و تمایزات کمی و کیفی هرفضا نسبت به دیگر فضاها است (رک: نقره‌کار، ۱۳۸۷). با هدف تحلیل یافته‌ها، ابتدا نتایج تیپ‌بندی سلسله مراتب حرکتی به تفکیک دوره تاریخی در جدول ۳ ارائه و سپس با سایر پژوهش‌های مرتبط مورد مقایسه و بحث قرار می‌گیرند.

جدول ۳- نتایج تیپ‌بندی سلسله مراتب حرکتی مبتنی بر نمودار ۱

دوره	الگوی ۱			الگوی ۲			الگوی ۳		
	تمایل به درون‌گرایی ←						تمایل به برون‌گرایی		
	تیپ A3	تیپ A2	تیپ A1	تیپ B3	تیپ B2	تیپ B1	تیپ C3	تیپ C2	تیپ C1
قاجاری	۱	۶	۲						
قاجاری- پهلوی	۳	۲			۲	۱			
پهلوی		۳	۲					۲	۱
فراوانی	۴	۱۱	۴	۰	۲	۱	۰	۲	۱
درصد فراوانی	٪۱۶	٪۴۴	٪۱۶	۰	٪۸	٪۴		٪۸	٪۴

بررسی نتایج سلسله مراتب حرکتی در خانه‌های بیرجند نشان می‌دهد که از تعداد نه نمونه خانه قاجاری، تمامی خانه‌ها در الگوی ۱ قرار دارند. بنابراین تمامی خانه‌ها جهت ورود از فضای عمومی خارج از خانه به داخل، دارای فیلتر هشتی و یا دالان شکسته که مانع دید به داخل حیاط گردد، هستند. همچنین تعداد هفت خانه از نه خانه، جهت ورودی به تمامی اتاق‌ها و یا اتاق‌های اصلی از فیلتر ایوان و یا دالان استفاده کرده‌اند و در دو نمونه تمامی اتاق‌ها با حیاط مستقیماً ارتباط دارد. در دوره قاجار- پهلوی، پنج نمونه در الگوی ۱ و سه نمونه در الگوی ۲ قرار دارند و در دوره پهلوی این نسبت به پنج نمونه الگوی ۱ و سه نمونه الگوی ۳ تغییر می‌یابد. اگرچه تغییرات الگوی خانه‌ها و تیپ‌های متعلق به هر الگو، همانطور که در جدول ۳ نیز مشخص است حکایت از روند کاهشی محرمیت در خانه‌های دوره انتقال دارد؛ اما از مجموع ۲۵ خانه مورد بررسی، تعداد ۱۹ خانه که ۷۶ درصد از جامعه آماری را شامل می‌شود همچنان از الگوی ۱ تبعیت می‌کنند که نشان از اهمیت محرمیت در خانه ایرانی دارد. در میان تیپ‌های مورد بررسی، بیشترین فراوانی به تیپ A2 اختصاص دارد که گویای رابطه معناداری میان موقعیت و کاربری اتاق‌ها در اطراف حیاط مرکزی با میزان و چگونگی ایجاد محرمیت در آنها دارد. بررسی نمونه‌ها مؤید آن است که ایجاد محرمیت دسترسی به اتاق‌ها و فضاهایی که در راستای محورهای مرکزی حیاط قرارگرفته‌اند (عرصه نیمه خصوصی)، بیشتر مورد توجه بوده است و در اتاق‌های دیگر که در گوشه‌های حیاط قرار می‌گیرند (عرصه خصوصی)، محرمیت بصری نمود بیشتری می‌یابد. در این رابطه غفوریان و همکاران با بررسی سازمان فضایی خانه‌های ایرانی، استفاده از فضاهای حد واسط را علاوه بر ایجاد محرمیت، موجب عرصه‌بندی فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی و همچنین جلوگیری از ایجاد اختلال در عملکرد سایر فضاها عنوان می‌کنند (غفوریان، پی‌سخن، حصاری، ۱۳۹۶: ۱۴۳). کاظم‌زاده رائف و میردریکوندی، ۱۳۹۹؛ هاشمی زرج‌آباد، تقوی و مسعودی، ۱۳۹۴؛ نیز همسو با موضوع پژوهش، سلسله مراتب حرکتی را از مهمترین مؤلفه‌ها در میزان محرمیت خانه‌ها عنوان می‌کنند.

عناصر کالبدی: از نظر کالبدی تأملی اندک در معماری خانه سنتی بیانگر اشتراک آنها در کلیّت طرح است؛ چراکه اکثریّت آنها از پلان‌های متراکم و درونگرا و رو به حیاط تبعیّت می‌کنند. ساختار کلی طرح و شکل‌گیری تمامی اجزای آن، تابع نظم هندسی بوده است. دیوارهای بلند خارجی که بدون تزئینات و ساده است در مقابل ورودی‌های تورفته و تزئین‌شده، و یا فضای هشتی بعد از ورودی و... با هدف ایجاد محرمیت، درونگرایی و عدم اشراف، از ویژگی‌های بارز خانه سنتی است. اگرچه این ویژگی‌ها با هدف پایبندی به اصل تفکیک فضاها و اصل درون‌گرایی در خانه‌های دوره قاجار و پهلوی توأماً وجود دارد؛ اما در دوره رضاشاه راه‌حل‌های کاربردی نسبت به دوره قاجار تغییراتی را داشته است (رک: Mousavi, Tabassi & Mehdizadeh Seraj, 2022). با هدف شناسایی این تغییرات، ابتدا یافته‌های مطالعه کالبد معماری در جدول ۴ به تفکیک دوره تاریخی جمع‌بندی شده است و سپس در مواردی همانند: رابطه توده و فضا، ورودی، هشتی و حیاط با سایر پژوهش‌های مرتبط مورد مقایسه و بحث قرار می‌گیرد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

جدول ۴- جمع‌بندی تحلیلی یافته‌ها درباره سازمان فضایی نمونه‌ها

دوره	تعداد نمونه	میانگین مساحت توده	میانگین نسبت توده به فضا	ورودی و هشتی						حیاط				اتاق	
				تعداد ورودی			نحوه ورود به حیاط		تعداد جهات قرارگیری توده			دارای نقش حیاط مرکزی	ورود از طریق ایوان یا دالان	ارتباط مستقیم با حیاط
				یک ورودی	دو ورودی	سه ورودی	با واسطه	مستقیم	۲ جهت	۳ جهت	۴ جهت			
قاجاری	۹	۳۶۰	۷۷/۷	۷	۲		۹		۱	۱	۷	۹	۷	۸
قاجاری- پهلوی	۸	۳۱۲	۷۴/۸	۷	۱		۹		۱	۳	۴	۸	۷	۵
پهلوی	۸	۲۲۳	۷۳	۵	۲	۱	۷	۵	۳	۲	۳	۷	۵	۷

- **رابطه توده و فضا:** مقایسه میانگین نسبت توده و فضا در خانه‌های دوره انتقال بیرجند گویای آن است که این نسبت در دوره قاجار ۷۷/۷ بوده است و در دوره قاجار- پهلوی به ۷۴/۸ و همچنین در دوره پهلوی به ۷۳ کاهش یافته است. مطالعات تاریخی و بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد که کاهش تدریجی توده نسبت به فضا با تغییرات سبک زندگی و تغییرات فرهنگی ناشی از آن همسو بوده است. همچنین با مقایسه این تغییرات و تغییرات جهات قرارگیری توده در نمونه‌های بررسی شده مشخص می‌شود که تغییرات این دو مؤلفه هماهنگ با یکدیگر است؛ چراکه در دوره قاجار از تعداد نه نمونه بررسی شده، هفت نمونه توده در چهارجهت و یک نمونه در سه جهت و یک نمونه هم در دو جهت واقع شده است اما این نسبت در دوره قاجار- پهلوی از هشت نمونه مورد بررسی، به ترتیب به ۴، ۳ و ۱ نمونه و در دوره پهلوی به ۳، ۲ و ۳ مورد تغییر یافته است که نشان از همسو بودن کاهش نسبت توده به فضا با کاهش تعداد جهات قرارگیری توده و نهایتاً میزان محرمیت دارد. در این رابطه حیدری و تقی‌پور با بررسی نسبت توده به فضا در خانه‌های سنتی نتیجه گرفته‌اند که درون‌گرایی فضا، با افزایش نسبت توده به فضا افزایش یافته است و محرمیت بیشتر خانه‌های چهارطرفه را نسبت به خانه‌های یک‌طرفه سبب شده است (حیدری، تقی‌پور، ۱۳۹۷: ۹۸). میرسجادی و فرکیش با مقایسه نظم توده و فضا در خانه‌های نیشابور، بر اساس جهات جغرافیایی نتیجه گرفته‌اند که حیاط اغلب در دو بدنه مرکزی و شرقی قرار دارد. همچنین فضاهای عمومی مانند مهمان‌خانه، در ارتباط با ورودی و در بدنه جنوب تا جنوب غربی قرار دارد (رک: میرسجادی و فرکیش، ۱۳۹۵). در پژوهش دیگری در ارتباط با خانه‌های شیراز، قرارگیری توده در چهارطرف خانه‌های دوره قاجار تأییدی بر درون‌گرا (حیاط مرکزی) بودن آن است (رک: زارعی، رازانی و قزلباش، ۱۳۹۶). موسوی و طبسی در مقاله خود با بررسی خانه‌های مشهد، به طیف‌بندی نظم توده و فضا پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که منطبق بر نظم توده و فضا، خانه‌ها از دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی اول از درون‌گرایی به سمت برونگرایی حرکت کرده‌اند (رک: موسوی، طبسی و مهدیزاده سراج، ۱۳۹۹). تحقیق حاضر در خانه‌های بیرجند نیز مؤید همین مطلب ولی با روندی کندتر نسبت به مشهد است.

- **ورودی و هشتی:** بررسی تغییرات تعداد ورودی‌ها و نحوه ارتباط ورودی با حیاط نیز در دوره‌های مختلف معنادار است. در دوره قاجار هفت واحد دارای تنها یک ورودی و دو واحد دارای دو ورودی بوده‌اند که تمامی این ورودی‌ها با واسطه هشتی و یا دالان شکسته به حیاط ارتباط داشته‌اند. در دوره قاجار- پهلوی نیز تمامی ورودی‌ها با واسطه به حیاط ارتباط داشته‌اند که از این میان، تعداد شش ورودی از طریق هشتی و یا دالان شکسته و سه ورودی با کمک دالان مستقیم به حیاط مرتبط بوده‌اند؛ اما در دوره پهلوی، تنها هفت ورودی از تعداد ۱۲ ورودی با واسطه به حیاط ارتباط می‌یابد که حذف هشتی و یا دالان از مجموعه ورودی خانه‌ها تأییدی است بر کاهش محرمیت خانه‌ها در این دوره. پرهیزکار و دانشجو نیز در بررسی محرمیت خانه‌های قاجار تهران، تمامی اجزای ورودی از جمله هشتی و دالان را بیانگر سلسله مراتب ورود و نشانگر درون‌گرایی خانه‌ها و تأمین‌کننده محرمیت و امنیت می‌دانند (رک: پرهیزکار و دانشجو، ۱۳۹۷). غفوریان و همکاران نیز الگوی سلسله مراتبی ورودی، هشتی، دالان و حیاط را عامل شکل‌گیری طیفی از فضاهای متباین و ایجاد حریم خصوصی برای ساکنان عنوان می‌کنند (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۳). علی‌محمدی و همکاران نیز معتقدند که نحوه ورود به خانه‌ها از مراتب سنتی خود به مرور فاصله گرفته است؛

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

به‌گونه‌ای که خانه‌های بعد از دوره ناصری، ورودی خانه‌ها کاملاً التقاطی شده است (علی‌محمدی، بمانیان، پورفتح‌الـه، ۱۳۹۴: ۱۳۷). بـا یقـین می‌توان ادعا نمود که تمامی پژوهشگران وجود هشتی و یا دالان را از ابزارهای محرمیت در معماری سنتی می‌دانند.

– **حیاط:** همان‌گونه که در مبحث روابط توده و فضا عنوان شد نحوه محصور شدن حیاط منطبـق بـر نظـم تـوده و فضـا، بیـانگر تمایـل بـه برون‌گرایی در دوره پهلوی نسبت به دوران قبل از آن است. همچنین بررسی نقش حیاط در کلیت معماری خانه نشان می‌دهـد کـه حیـاط بـه عنوان فضای اصلی زیست مورد توجه بوده است؛ از این‌رو اتاق‌ها و ایوان‌ها رو به حیاط دارند و با آن ارتباط برقرار می‌کننـد. بـه عبـارت دیگـر نقش حیاط مرکزی را در این خانه‌ها شاهدیم و تنها در یک نمونه (خانه شریف) متعلق به دوره پهلوی، اولین مورد از حیاط مشاهده می‌شود که مرکزیت خود را از دست داده است و دو ورودی مستقیماً به حیاط ارتباط می‌یابند. به عقیده نویسندگان، تغییر تدریجی نقش حیاط از دوره قاجار به بعد بیشترین همسویی را با تغییرات سبک زندگی و تحولات فرهنگی نسبت به دیگر عناصر کالبدی نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که این تغییـر نقش را می‌توان نیروی محرکه و اولیه در تغییرات سازمان فضایی خانـه در دوره‌هـای پـس از آن محسـوب کـرد. در ایـن رابطـه غفوریـان و همکاران در بررسی گونه‌شناسی سازمان فضایی خانه‌های دوره قاجار تهران، نتیجه گرفته‌اند که ارتباط با حیاط شـامل عناصـری هماننـد درب ورودی، هشتی، دالان می‌باشد. در دوران گذار نقش حیاط تغییر می‌کند و به عنوان یک فضای تقسیم‌کننده مطرح می‌گردد و دیگـر حیـاط آن نقش فضای باز و زیست‌پذیر را دارا نیست (رک: غفوریان، پی‌سخن و حصاری، ۱۳۹۶).

– **اتاق‌ها:** اگرچه در خانه سنتی از هشتی ورودی به بعد، عرصه خانواده محسوب می‌گردد؛ ولی مجموعه فضاها در رابطه با میـزان محرمیـت دارای ارزش‌های یکسان نیستند. در این رابطه فضای حیاط نقش عرصه عمومی خانواده را بـر عهـده دارد و اتـاق‌هـا درجـه‌هـای مختلفـی از محرمیت را پوشش می‌دهند. اتاق‌های بزرگ‌تر همانند پنج‌دری‌ها که معمولاً در راستای محورهای مرکزی حیاط قرار دارند، عرصه عمومی‌تر و فضاهای کوچک‌تر که عموماً در گوشه‌های حیاط واقع‌اند، عرصه خصوصی‌تر را شکل می‌دهنـد. بررسـی نمونـه‌هـا نشـان مـی‌دهـد کـه ایـن حوزه‌بندی در دوره قاجار مشهودتر است اما در دوره‌های پس از آن به تدریج با عدم تفاوت در ارزش‌های مکانی، تغییرات توده و حذف عناصـر واسط همانند ایوان‌ها و دالان‌ها، همگونی اتاق‌ها و فضاها و درنتیجه کمرنگ‌شدن عرصه‌بندی در حوزه خانواده را شاهد هستیم. در این رابطـه دوستی در مقاله خود ایجاد فاصله بین اتاق‌های خصوصی‌تر و عمومی را از راهکارهای معماری سنتی در افزایش محرمیت عنوان می‌کند (رک: دوستی، ۱۳۹۷). با هدف تلخیص می‌توان نتایج مقایسه‌ای تحلیل را در سه دوره مورد بررسی به صورت جدول ۵ ارایه داد:

جدول ۵- جمع‌بندی نتایج تحلیل محرمیت طی دوره انتقال

دوره	دسترسی	اتاق‌ها	حیاط	توده
قاجاری	تمرکز بر ارتباط درون و بیرون از طریق هشتی و یا دالان شکسته	تمرکز بر دسترسی با واسطه (ایوان و دالان) اتاق‌های اصلی با حیاط. ارزش‌های مکانی متفاوت اتاق‌ها نسبت به حیاط.	حیاط‌های مرکزی با حفظ درونگرایی از طریق عناصر واسط و ارتباطی	قرارگیری توده در چهار و یا سه طرف عرصه
قاجاری- پهلوی	شکل‌گیری نمونه‌هایی از دالان‌های مستقیم جهت ارتباط درون و بیرون	تمرکز بر دسترسی با واسطه (ایوان و دالان) با حیاط. کمرنگ شدن ارزش‌های مکانی اتاق‌ها نسبت به حیاط	حذف توده از برخی جهات حیاط و تمایل به ارتباط مستقیم با دیگر فضاها	حذف توده از برخی جهات ساختمان
پهلوی	شکل‌گیری ارتباط مستقیم درون و بیرون	ارتباط بیشتر اتاق‌ها بدون واسطه با حیاط. تمرکز بر یکسان شدن اتاق‌ها و عدم توجه به ارزش مکانی	کمرنگ شدن نقش حیاط مرکزی. حذف عناصر واسط و ارتباطی	حذف و یا کاهش قرارگیری توده در برخی جهات. تمایل به درونگرایی در توده
روند زمانی محرمیت	کاهش محرمیت در حوزه ارتباطی معبر تا حیاط	کاهش محرمیت اتاق‌ها در ارتباط با حیاط	کاهش محرمیت	کاهش محرمیت در کلیت مجموعه و تمایل به ایجاد محرمیت در داخل

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

نتیجه‌گیری

مبتنی بر هدف پژوهش که شناسایی رابطه محرمیت با تغییرات سازمان فضایی خانه‌های بیرجند در دوره انتقال است؛ مجموعه مطالعات و تجزیه و تحلیل یافته‌ها در پژوهش حاضر، مؤید آن است که تغییرات در مؤلفه‌های کالبدی سازمان فضایی خانه‌های دوره انتقال در شهر بیرجند، در میزان محرمیت خانه‌ها تأثیرگذار بوده است و مجموعه این تغییرات همسو با یکدیگر، کاهش میزان محرمیت را از دوره قاجار تا پهلوی (دوره انتقال) سبب شده است. تغییراتی همانند: کاهش نسبت توده به فضا، تغییر در نظم توده و فضا، تغییر در جزئیات و اجزای ورودی و هشتی، تغییر در فیلترها و واسطه‌های مرتبط با حیاط و نقش حیاط و همچنین تغییر در الگوی سلسله مراتب حرکتی از فضای عمومی خارج تا اتاق‌ها، مجموعاً روند کاهش محرمیت را نشان می‌دهند. بررسی نقشه‌ها و ساختمان‌های اواخر دوره پهلوی (خانه شریف) نشان از روندی متفاوت در شکل‌گیری محرمیت دارد که در آن تمرکز بر فضای داخلی (توده) است. در این روند بنا بر تغییرات و تحولات سبک زندگی، فعالیت‌های اصلی در فضای داخلی توده متمرکز شده است و با ایجاد لایه‌های مختلف و عناصر ارتباطی سعی بر ایجاد حوزه‌بندی و شکل‌گیری محرمیت در فضای داخلی دارد؛ اگرچه جهت تدقیق و رسیدن به نتایج متقن، لازمه بررسی ادامه این روند در نمونه‌های بیشتری از معماری اواخر پهلوی و پس از آن ضروری است. همچنین مقایسه نتایج پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌ها نشان می‌دهد که: اگرچه عواملی همانند مذهب و بُعد مکانی نسبت به شهرهای تأثیرگذار همانند تهران، مشهد و اصفهان بر کم‌تر بودن تغییرات مؤلّفه‌های کالبدی نسبت به شهرهای فوق و در نتیجه کندتر شدن روند کاهش محرمیت مؤثر بوده است، اما نتوانسته است شهر بیرجند را از تأثیرات آن محفوظ نگه دارد. نکته جالب توجه در یافته‌های پژوهش آن است که میانگین مساحت توده از دوره قاجار تا دوره پهلوی روند کاهشی داشته است و از ۳۶۰ مترمربع در ازای هر واحد در دوره قاجار به ۲۲۳ مترمربع در دوره پهلوی کاهش یافته است. رابطه این کاهش با روند کاهشی محرمیت اگرچه قابل بررسی است؛ اما دلائل کاهش توده در طی زمان در ارتباط با عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... نیز اهمیت می‌یابد. با توجه به آنکه پژوهش حاضر مبتنی بر شکل حریم در سازمان فضایی خانه است و عناصر محرمیت را مورد بررسی قرار داده است، پژوهش دیگری که مرتبط با معنای حریم در سازمان فضایی خانه‌های بیرجند مبتنی بر نظام ارزشی محرمیت و مقایسه نتایج آن با پژوهش حاضر باشد، مفید خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

1. Principle of Privacy
2. Spatial Organization
3. Transition Era
4. Barrier, Depth, Step, Ring

منابع

- قرآن کریم.
- ابراهیمی، س.، اسلامی، غ. (۱۳۸۸). معماری و شهرسازی ایران در دوران گذار. نشریه هویت شهر، ۴ (۶)، ۳-۱۴.
- ابراهیمی، غ.، سلطان‌زاده، ح.، کرامتی، غ. (۱۳۹۶). بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان. باغ نظر، ۱۴ (۴۷)، ۳۸-۲۹.
- اخوت، ه. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی ابعاد حریم در مسکن سنتی و معاصر با استفاده از مدل تحلیلی BDSR. مسکن و محیط روستا، ۳۲ (۱۴۲)، ۹۷-۱۱۲.
- بابازاده اسکوئی، س.، طوفان، س.، جمالی، س. (۱۳۹۸). ارتقای بنیان‌های نظری مفهوم حریم در مسکن معاصر از منظر روانشناسی محیطی، نمونه موردی: برج مسکونی میلاد تبریز. نشریه باغ نظر، شماره ۱۶، ۷۲- ۶۱.
- باقری، و. (۱۳۸۹). بررسی تقابل سنت و تجدد در معماری مسکن گذشته با رویکرد معماری خانه دوره قاجار تبریز. نشریه تفکر معماری، ۶ (۲۳)، ۳۶-۴۵.
- بمانیان، م.، راستجو، س. (۱۳۹۶). سیر تحول محرمیّت در ساختار فضایی خانه معاصر (نمونه موردی، خانه‌های دهه‌های ۵۰ و ۶۰). چهارمین کنفرانس ملی دستاوردهای اخیر در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، تهران.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

- پالاسما، ی. (۱۳۸۹). پدیدارشناسی مفهوم خانه در نقاشی، معماری و سینما (هویّت، حریم خصوصی و مأوا). ترجمه امیر مجد، نشریه صنعت سینما، شماره ۹۷، ۱۲۱- ۱۱۶.
- پرهیزکار، ا.، دانشجو، خ. (۱۳۹۷). محرمیت و حجاب در خانه‌های قاجار تهران. چهارمین همایش ملی معماری و شهر پایدار، دانشگاه شهید رجایی، تهران.
- ترکمان، ا.، جلالی ثابت، ح. (۱۳۹۷). بررسی ارزش‌های اجتماعی مؤثر در ایجاد محرمیت فضا در معماری. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- حکیم، ب. (۱۳۸۱). شهرهای عربی- اسلامی، اصول شهرسازی و ساختمانی. ترجمه محمدحسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حیدری، ع.، پیوسته‌گر، ی.، محبی‌نژاد، س.، کیایی، م. (۱۳۹۷). ارزیابی شیوه‌های ایجاد محرمیت در سه نظام پیمون بزرگ، کوچک و خرده پیمون در پیکره‌بندی مسکن ایرانی-اسلامی با استفاده از تکنیک نحو فضا. دوفصلنامه مرمت و معماری ایران، ۸(۱۶)، ۶۸-۵۱.
- حیدری، ع.، تقی‌پور، م. (۱۳۹۷). تحلیل محرمیت در خانه‌های سنتی بر اساس نسبت توده به فضا (نمونه موردی: خانه‌های تک‌حیاط در اقلیم گرم و خشک). نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، ۶ (۸)، ۹۹- ۷۷.
- دوستی، ش. (۱۳۹۷). حریم و محرمیت در خانه‌های سنتی ایران. فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۵۳ و ۵۴، ۱۳۶-۱۱۵.
- راستجو، س.، بمانیان، م. (۱۳۹۸). گونه‌شناسی ساختار فضایی خانه معاصر ایرانی با تکیه بر محرمیت و سلسله مراتب. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۴ (۲)، ۵۸-۴۹.
- رمضان‌جماعت، م.، نیستانی، ج. (۱۳۸۹). جلوه‌های سنت و تجدد در فضاهای ورودی خانه‌های تهران دوره قاجار. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲ (۴۴)، ۷۵-۶۵.
- رمضانی، ب. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی روند تغییرات کالبد و کارکرد خانه در دوره انتقال (نمونه‌های موردی خانه‌های اصفهان). استاد راهنما احمد منتظر، استاد مشاور مریم قاسمی سیچانی، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده معماری.
- سیفیان، م.، محمودی، م. (۱۳۸۶). محرمیت در معماری سنتی ایران. هویت شهر، شماره ۱، ۱۴- ۳.
- شیرازی، ع.، یونسی، م. (۱۳۹۰). تاثیر ملی‌گرایی بر معماری بناهای حکومتی دوره پهلوی اول. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱ (۴)، ۵۹-۶۹.
- ضرغامی، ا.، خاکی، ع.، سادات، ا. (تیر ۱۳۹۴). بازیابی مفهوم محرمیت در کالبد سکونتگاه‌های دیروز و امروز. همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در هزاره سوم، تهران: کانون سراسری انجمن‌های صنفی مهندسان معمار ایران.
- علایی رحمانی، ف.، غلامی‌نژاد، ف.، کرباسی، س. (۱۳۹۷). بررسی سازوکارهای تأمین حریم خصوصی در مسکن شهر ایرانی با تأکید بر نمودهای معماری سنتی- اسلامی. نشریه معرفت، ۲۷(۲۴۵)، ۱۰۲-۹۱.
- علی‌الحسابی، م.، قربانی، ا. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های فضای ورودی به عنوان مفصل و حریم بصری در عرصه‌های عمومی مجاور؛ نمونه موردی: بندر لافت. پژوهش‌های معماری اسلامی، سال دوم، شماره ۵، ۱۰۷- ۸۷.
- علی‌محمدی، ف.، بمانیان، م.، پورفتح‌اله، م. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی تأثیر تغییرات فرهنگی بر محرمیت در ورودی خانه‌های سنتی دوره قاجاریه (نمونه: خانه‌های سنتی شهر قزوین). فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، ۱۰(۲۷)، ۱۴۰-۱۱۵.
- عمید، ح. (۱۳۶۵). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۳۲.
- قبادیان، و. (۱۳۸۳). معماری در دارالخلافه ناصری (سنت و تجدد در معماری معاصر تهران). تهران: پشوتن.
- قبادیان، و. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. چاپ دوم، تهران: انتشارات علم معمار.
- کاظم‌زاده رائف، م.، میردریکوندی، ص. (۱۳۹۹). محرمیت در خانه سنتی ایرانی با تأکید بر مظاهر حریم خصوصی در عناصر معماری (نمونه موردی: خانه رسولیان یزد). نشریه معماری‌شناسی، سال سوم، شماره ۱۷.
- گروتر، ی. (۱۳۸۸). زیبایی شناسی در معماری. ترجمه جهانشاه پاکزاد، عبدالرضا همایون. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

- لبیب‌زاده، ر.، نقره‌کار، ع.، حمزه‌نژاد، م.، خان‌محمدی، م. (۱۳۹۴). بازخوانی سازمان فضایی خانه بر اساس متون اسلامی بـه روش EBS وتطبیق آن با اولویت‌های روابط فضایی از دیدگاه الکساندر و لنگ. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، ۶ (۲۲)، ۲۱- ۵.
- محمودآبادی، م. (۱۳۹۱). اصلاحات آموزشی از دارالفنون تا مدارس رشدیه. تاریخ‌پژوهی، ۱۳ (۵۱)، ۴۴-۲۱.
- مؤمنی، ک.، عطاریان، ک.، دیده‌بان، م.، وصال، م. (۱۳۹۷). محرمیت در معماری خانه‌های دزفول. نشریه جلوه هنر، ۱۰(۴۷)، ۹۲- ۷۹.
- موسوی، س.، طبسی، م.، مهدیزاده سراج، ف. (۱۳۹۹). تأثیر دگرگونی شیوه زندگی بر کالبد معماری و تزئینات خانه‌هـای مشـهد در دوره انتقال. فصلنامه مدیریت شهری و روستایی، ۲۱ (۵۸)، ۵۲-۲۹.
- میرسجادی، ا.، فرکیش، ه. (۱۳۹۵). ارزیابی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تاثیرگذار در معماری خانه های تـاریخی نیشـابور جهـت دست یابی به راهکارهای طراحی و الگوی ساخت منازل در بافت مسکونی سنتی. فصلنامه پژوهشهای معماری اسلامی، ۴ (۱۳)، ۹۴-۷۲.
- نقی‌زاده، م. (۱۳۷۹). حکمت سلسله مراتب در معماری و شهرسازی. مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی.
- ولی‌زاده اوغانی، م. (۱۳۹۳). اصول و اندیشه‌های اخلاقی در ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران اسلامی. نمونه مورد مطالعه محرمیت و حریم خصوصی. پژوهش هنر، شماره ۷، ۶۰- ۴۷.
- هاشمی زرج‌آباد، ح.، تقوی، ع.، مسعودی، ذ. (۱۳۹۴). درونگرایی و بازتاب اصل محرمیـت در معمـاری ایرانـی اسـلامی، نمونـه پـژوهش میدانی خانه‌های تاریخی بیرجند. مطالعات فرهنگ اجتماعی خراسان، شماره ۲، ۱۴۶- ۱۲۳.
- Abu-Gaueh, T. (1995). Privacy as the basis of architectural planning in the Islamic culture of Saudi Arabia. *Architecture and Behaviour Journal*, 11(3), 269-288.
- Alenazy, T. H. (2007). *Privacy and Social Needs of Women in Contemporary Kuwaiti Homes*.
- AlHemaidi, W. K. (1997). *The dilemma of regulating privacy. Planning regulations, privacy, and the house form; the case study of low-density single-family dwellings in Saudi Arabia*. University of London, University College London (United Kingdom).
- Al-Mohannadi, A. S., & Furlan, R. (2022). The syntax of the Qatari traditional house: Privacy, gender segregation and hospitality constructing Qatar architectural identity. *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 21(2), 263-283.
- Al Surf, M., Susilawati, C., & Trigunarsyah, B. (2012). Analyzing the literature for the link between the conservative Islamic culture of Saudi Arabia and the design of sustainable housing. *In Proceedings of the 2nd International Conference on Socio-Political and Technological Dimensions of Climate Change* (pp. 3-16). University Putra Malaysia Press.
- Altman, I. (1977). Privacy regulation: Culturally universal or culturally specific? *Journal of Social Issues*, 33(3), 66-84.
- Altman, I., & Chemers, M. M. (1984). *Culture and environment* (No. 2). CUP Archive.
- Bachelard, G. (1994). *The poetics of space* (M. Jolas, Trans., 1964).
- Bahammam, A. S. (1987). *Architectural patterns of privacy in Saudi Arabian housing.*
- Bekci, B., & Ozbilen, A. (2012). A research on the application of harmony between personal space and architectural space into a case study like park. Kastamonu University Journal of Forestry Faculty, 12(2), 329-338.
- Joseph, S., Booth, M. L., Davary, B., El Sadda, H., Gualtieri, S., Hooker, V., Shehabuddin, E. (2013). *Women and Islamic Cultures: Disciplinary Paradigms and Approaches*: 2003-2013. Brill.
- Daneshpour, A., Embi, M. R., & Torabi, M. (2012). Privacy in housing design: effective variables. *In 2th International Conference-Workshop on Sustainable Architecture and Urban Design* (ICWSAUD2012).
- Saleh, M. A. E. (1998). Life and death of traditional settlements of southwest Saudi Arabia. *Journal of Architectural Education,* 51(3), 177-191.
- Edwards, C. (2011). *Interior design: A critical introduction*. (No Title).
- Heathcote, E. (2012). *The meaning of home*. Frances Lincoln.
- Jameson, M. H. (1990). Domestic space in the Greek city-state. *Domestic Architecture and the Use of Space*, 92-113.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

- Kazemi, M., & Soheili, J. (2019). Effects of architectural components on the satisfaction rate of residents with different ages and genders in relation to privacy (Case Study: a Residential Complex in Tabriz). International *Journal of Architecture and Urban Development*, 9(3), 39-50.
- Musa, Z. B. M., Abdullah, M. F. R., Usman, A. H., & Iskandar, A. (2021). Privacy in Islam as a Guide to Housing Development. *International Journal of Islamic Khazanah*.
- Mahgoub, Y. (2004). *Globalization and the built environment in Kuwait*. Habitat International, 28(4), 505-519.
- Moradinasab, H. (2021). The Importance of Mahramiat in the Traditional Houses of Iran based on the Islamic Teachings regarding Territory and Privacy. *Journal of Housing and Rural Environment*, *39*(172), 47-60.
- Merriam-Webster, I. (2009). '*Merriam-Webster online dictionary'*. Springfield
- Memarian, G. H., & Ranjbar-Kermani, A. M. (2011). Privacy of house in Islamic culture: A comparative study of pattern of privacy in houses in Kerman. *Iran University of Science and Technology*, 21(2), 69-77.
- Mortada, H. (2003). *Traditional Islamic principles of built environment*. Routledge.
- Mousavi, S., Tabassi, M., & Seraj, F. M. (2022). Reading the Architectural Spatial Organization of the Houses of Mashhad during the Transition Period, Emphasizing the Concept of Privacy. *Creative City Design*, 5(3), 43-60.
- Nasrollah Hoseini, H., Nourtaghani, A., & Pazhouhanfar, M. (2019). Assessment of privacy using the meaning structure method: case of Mashhad social housings. *Iran University of Science & Technology*, 29(2), 171-182.
- Ondia, E. P. (2019). Addressing the Dilemma between Collaboration and Privacy in Coworking Spaces. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 9(3), 5-10.
- Othman, Z., Aird, R., & Buys, L. (2015). Privacy, modesty, hospitality, and the design of Muslim homes: A literature review. *Frontiers of Architectural Research*, 4(1), 12-23.
- Ozaki, R. (2002). Housing as a reflection of culture: Privatised living and privacy in England and Japan. *Housing Studies*, 17(2), 209-227.
- Rapoport, A. (2000). Theory, culture and housing. *Housing, theory and society*, 17(4), 145-165.
- Rapoport, A. (2005). *Culture, architecture, and design*: Locke Science Pub. Co., Chicago.
- Shahriari, H. (2019). A Critical Study of Four Definitions of Privacy from the Viewpoint of Western Ethics. Journal of Philosophical Theological Research, 21(4), 103-128.
- Sobh, R., & Belk, R. (2011). Domains of privacy and hospitality in Persian Gulf homes. *Journal of Islamic Marketing*, 2(2), 125-137.
- Stevenson, A. (Ed.). (2010). Oxford Dictionary of English. *Oxford University Press*, USA.
- Zeisel, J. (1984). *Inquiry by design: Tools for environment-behaviour research* (No. 5). CUP archive.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]

The identification of relationship between privacy and changes in the space organization of Houses in Birjand City during the transition era

Hasan Naseri Azghandi, Ph.D. Candidate of Architecture, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
Mohsen Tabassi*, Associate Professor, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
Hassan Rezaei, Assistant Professor, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Received: 2022/8/30 *Accepted: 2023/1/25*

Extended abstract
Introduction: Special spatial organization is required in a house to separate public and private spaces, considering the family as a system based on internal and external relations. Thus, space is organized and functions are placed to demonstrate the "Principle of Confidentiality." During the transition era, political, social, and economic changes resulted in significant alterations to the way of life and subsequent modifications to the spatial arrangement of buildings, including houses. The objective of this research is to examine how spatial organization changes during the transition era (late Qajar and first Pahlavi era) affected the level of privacy in houses located in Birjand city. The researchers are investigating how the spatial organization of Birjand houses changed during a certain transition period and how these changes affected the level of privacy in the households. They are seeking answers to this question through their research.
Methodology: The research applies historical and descriptive-analytical methods, using a positivist approach. Data collection utilized documentary and field procedures. Hence, all houses registered under national authority are considered as part of the selected population era. The Qajar, Qajar-Pahlavi, and Pahlavi eras had 9, 8, and 8 houses respectively.
Results: Research indicates that in the transition era, the average area of each house has decreased from 360 square meters to 223 square meters. Additionally, it has become more common to place the Mass on three or both sides of the space. The hierarchy of movement shows the removal of filters and intermediaries like porches and corridors. There have been several changes made to the space. These include a reduction in the amount of mass compared to the amount of space, rearrangements of the mass and space, alterations to the entrance and vestibule areas, updates to the filters and mediators in the courtyard, and changes to the function of the courtyard. There has been a shift in the movement hierarchy pattern from public spaces to rooms, indicating decreasing confidentiality.
Conclusion: The physical changes in the spatial organization of houses during the transition from the Qajar to the Pahlavi era in Birjand caused a decrease in privacy, as confirmed by the results. During the transition era, the architecture of Birjand houses experienced changes in various components and elements, including mass-space ratio, movement hierarchy, entrance, porch, courtyard, and filters. As a result, the long-standing tradition of privacy in Iranian architecture, which has lasted for thousands of years, has declined. Upon comparison with other studies, it is evident that Birjand city experienced fewer and more subdued changes compared to cities like Mashhad, Tehran, and Isfahan. This could be attributed to religious influences and the fact that Birjand was located far away from the cultural and lifestyle changes that occurred in other major cities during that time, including the provincial capital.
Keywords: Privacy, Transition era, Space organization, Birjand, House architecture.

* Corresponding Author's E-mail: mohsentabasi@mshdiau.ac.ir

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-21]